

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۲۷)، صفحات: ۴۹-۷۰
مقاله علمی ترویجی

مطالعه نقش تدریس میرزا علی اکبرخان مزین الدوله در مدرسه دارالفنون در دوره قاجار*

الهه پنجه‌باشی**

چکیده

در زمان قاجار یکی از هنرمندان تأثیرگذار بر نقاشی دوران قاجار میرزا علی اکبرخان نطنزی معروف به مزین الدوله از اهالی شهر هنرپرور کاشان است. مزین الدوله شاگرد هنرمند بزرگ دوران انگر بود و در مدرسه هنرهای زیبای پاریس آموزش دیده بود. با توجه به اهمیت نقش مزین الدوله و سال‌ها تدریس در دارالفنون و پرورش شاگردانی چون میرزا ابوتراب غفاری، اسماعیل جلایر، مصورالملک و کمال‌الملک، به زندگی و آثار او، تدریس در دارالفنون و معرفی شاگردان برجسته‌اش پرداخته می‌شود. در جست‌وجوی این مسئله ابتدا آموزش نقاشی آکادمیک قاجار در دارالفنون، نقش مزین الدوله در تدریس هنر نقاشی، شاگردان او و به‌خصوص کمال‌الملک بررسی می‌شود. هدف این پژوهش پی بردن به نقش تدریس میرزا علی اکبرخان مزین الدوله در دارالفنون و هنرمندان یادشده در دوره قاجار است. سؤال پژوهش به این شرح است نقش میرزا علی اکبرخان مزین الدوله به‌عنوان معلم و نقاش در مدرسه دارالفنون چه بود؟ روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی نمونه‌های موزه‌ای انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدرسه دارالفنون و آموزش رشته نقاشی نقش مهمی در رشد هنر این داشته است. نقش مزین الدوله به‌عنوان مدیر، معلم و هنرمندی توانا حائز اهمیت است. او با مدیریت قاطع و آموزش زبان و نقاشی در دارالفنون جایگاه این هنر را ترقی بخشیده است. در عرصه نقاشی، منظره‌سازی و هنرمندی، چیره‌دست بوده است که با تأثیرپذیری از هنر آکادمیک اروپایی، نسلی درخشان برای هنر نقاشی ایران تربیت کرده است. او آموزش نقاشی آکادمیک به شیوه غربی در ایران قاجار را پایه‌گذاری کرد. سابقه تدریس و مدیریت قوی در دارالفنون، هنرمندی پرمایه آموزش هنری و تربیت نسل درخشان نقاشی، تدریس زبان فرانسه، موسیقی و نقاشی از این هنرمند اسطوره‌ای از آموزش در دوران قاجار می‌سازد که تکرارناپذیر است.

کلیدواژه‌ها: قاجار، علی اکبرخان مزین الدوله، نقاشی، دارالفنون، دورنماسازی، تدریس.

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی اکبرخان
مزین الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار

* این مقاله حاصل هسته پژوهشی با عنوان مطالعه هنر نقاشی بیکره‌نگاری دوره قاجار تصویب شده در دانشگاه الزهرا(س) است.

** دانشجویار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران / e.panjebashi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰



۱. مقدمه

کاشان از دیرباز یکی از شهرهای هنرپرور و مرکز هنرمندان در ایران بوده است (ذکا، ۱۳۷۸: ۱۴). در زمینه آموزش هنر نقاشی قاجار، یکی از افراد صاحب‌نام در این دوران میرزا علی اکبرخان مزین‌الدوله نطنزی معروف به نقاش‌باشی است که در سال ۱۲۶۳ق/۱۲۲۳ش در نطنز کاشان پا به عرصه وجود گذاشت (آذری، ۱۳۴۲: ۷۶). او که تحصیل کرده غرب بود پس از میرزا ابوالحسن‌خان غفاری مهم‌ترین و تأثیرگذارترین معلم نقاشی دارالفنون بوده است. او سعی نمود اصول نقاشی را به‌شیوه‌ای که از نقاشان اروپایی آموخته بود به کار گیرد و با دگرگونی روند آموزش صنایع‌الملک غفاری و با تأثیرپذیری از آموزش غربی سعی داشت الگوی نوینی در آموزش نقاشی با تأثیرپذیری از هنر غرب و هنر بازنمایی به کار برد. این مدرسه به‌عنوان اولین مدرسه با برنامه درسی اروپایی سرآغاز آموزش نوینی در هنر نقاشی ایرانی رقم زد که نقش مزین‌الدوله به‌علت سال‌های طولانی تدریس و مدیریت و همچنین پرورش نسلی درخشان حائز اهمیت است. هدف این پژوهش پی بردن به نقش تدریس میرزا علی اکبرخان مزین‌الدوله در دارالفنون و هنرمندان یادشده در دوره قاجار است. سؤال پژوهش به این شرح است: نقش میرزا علی اکبرخان مزین‌الدوله به‌عنوان معلم و نقاش در مدرسه دارالفنون چه بود؟ ضرورت و اهمیت تحقیق در این است که نقش مزین‌الدوله در دارالفنون به‌لحاظ اهمیت فرهنگی و هنری تدریس شایان اهمیت می‌باشد. بر این مبنا تمرکز اصلی پژوهش، نقش کلیدی مزین‌الدوله در آموزش نقاشی دارالفنون و تأثیرگذاری او در آموزش هنر نقاشی آکادمیک ایران است. ضرورت پژوهش حاضر مطالعه زندگی این هنرمند و معلم دوره قاجار است که متأسفانه به‌علت داشتن نقش‌های مدیریتی و موارد دیگر آثار نقاشی زیادی از او برجای نمانده است. از فعالیت درسی رشته نقاشی و برنامه‌های درسی و جزوات دارالفنون در این رشته اطلاع دقیقی در دست نیست و نحوه کار اساتید و شیوه تدریس در این مدرسه بر ما پوشیده است. این موضوع به‌رغم اهمیت تاکنون به‌صورت پژوهشی مستقل صورت پذیرفته و بر نقش او بر هنرمندان درخشان نسل بعد توجهی نشده است؛ لذا ضرورت این پژوهش را نشان می‌دهد.

۱-۱. روش پژوهش

این متن مطالعه‌ای با رویکرد تاریخی است؛ پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام شده است. تصاویر آثار هنرمندان از نمونه‌های موزه‌ای تهیه و تحلیل شده است. جامعه آماری پژوهش آثار مزین‌الدوله و شاگردانش در زمان تدریس در دارالفنون است که برای بررسی دقیق‌تر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی انتخاب صورت

گرفته است و به وسیله معیارهای مرتبط و به روش منطقی و قیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. شیوه تحلیل آثار بر اساس اصول و قواعد تجسمی به‌کاررفته در ویژگی‌های ظاهری نقاشی‌هاست و بر اساس تحلیل منطقی و قیاسی صورت پذیرفته است و مطالعه نقاشی و نقش مزین‌الدوله به‌عنوان مدرس و مدیر در مدرسه دارالفنون را در بر می‌گیرد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون تعداد معدودی از پژوهشگران هنر به موضوع نقش مزین‌الدوله در نقاشی قاجار پرداخته‌اند، ولی این پژوهش‌ها فقط به معرفی او پرداخته و به مروری تاریخی و اهدای نشان‌ها به او بسنده شده است. در مجموع توجه محققان به این هنرمند تأثیرگذار کم بوده و به سیر تدریس او در دارالفنون، نقش تأثیرگذار او در روند آموزش نقاشی و تربیت نسل درخشان هنر ایران توجهی نشده و آثار او و ویژگی‌های تجسمی آن مدنظر قرار نگرفته است. همین موضوع ضرورت این پژوهش و جنبه نوآوری آن را نشان می‌دهد. در ادامه به معرفی پژوهش‌های نام‌برده پرداخته می‌شود. پیشینه پژوهش حاضر بر مطالعاتی که درباره بخش نظری تحقیق تاریخ قاجار، دارالفنون و مزین‌الدوله بوده است متمرکز می‌شود. ذکا (۱۳۷۸) به آموزش مدارس هنری در ایران می‌پردازد، آدمیت (۱۳۴۸) دارالفنون و اهمیت آموزش در دوره قاجار را بررسی می‌کند. میرزا آقاخان (۱۳۵۳) در مقاله خود به تاریخچه دارالفنون پرداخته است. سعیدی (۱۳۷۹) به آموزش کتاب‌های درسی ایران در دوره قاجار می‌پردازد. هاشمیان (۱۳۸۵) در پژوهش خود، نخستین رئیس‌ان مدرسه را معرفی می‌کند. صفایی (۱۳۵۵) به گزارش‌هایی از مدرسه می‌پردازد که شرح وظایف معلمان و مدیران و شرح نواقص برای ناصرالدین‌شاه است. خلخالی و تقدیری (۱۳۹۱) به اقدامات امیرکبیر و تأسیس این مدرسه می‌پردازند. در پژوهش خوب و جامع رسولی‌پور (۱۳۹۷) به نقش علی‌اکبرخان مزین‌الدوله در آموزش هنرهای نوین در ایران و به‌خصوص نقاشی پرداخته شده است. در کتاب‌های پاکباز (۱۳۷۹) و فلور (۱۳۸۱) به نقاشی قاجار و در کتاب کشمیرشکن (۱۳۹۳) به جایگاه این مدرسه و نقاشی قاجار و تدریس مزین‌الدوله اشاراتی شده است. قاضی‌ها (۱۳۹۴) به معرفی هنر و هنرمندان و تاریخ قاجار پرداخته و به مزین‌الدوله و زندگی او اشاراتی شده است. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که مقالات و کتب درباره این هنرمند کم بوده و این زمینه پژوهشی به‌رغم اهمیت هنری و تاریخی مورد غفلت واقع شده است؛ به‌خصوص در زمینه نقش تدریس مزین‌الدوله بر نسل بعد در دارالفنون پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین در این مقاله سعی می‌شود با بهره‌گیری از منابع مرتبط و استفاده از نمونه‌های

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی‌اکبرخان
مزین‌الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار

موجود به بررسی علمی و تحلیل این موضوع پرداخته شود.

۲. آموزش هنر آکادمیک در دارالفنون در دوران قاجار

با روی کار آمدن میرزا تقی خان امیرکبیر و استقرار سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ق) اقدامات اصلاحی همه‌جانبه‌ای در کشور آغاز شد که یکی از آنها تأسیس دارالفنون و آغاز آموزش علوم و فنون جدید در ایران بود؛ اما ابتدا دارالفنون به ساختمان، معلم و برنامه، کتاب درسی و وسایل کار و بودجه نیاز داشت که آن‌ها را امیرکبیر برنامه‌ریزی کرد (معمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۲). اندیشه تأسیس دارالفنون ساخته فکر و تصمیم امیرکبیر بود که نیاز به کسب تکنولوژی را درک کرد و ایجاد دارالفنون را ضروری و اجتناب‌ناپذیر تشخیص داد. او تا زمان رسیدن به صدارت به مأموریت سیاسی روسیه، ایروان و عثمانی اعزام شد که این سفرها در اقدام او در تأسیس دارالفنون کاملاً مؤثر بود. مأموریت او در سفر به روسیه ۱۲۴۴ق (در برخی منابع ۱۲۴۶ ذکر شده است) که به همراه هیئتی به‌منظور عذرخواهی از قتل گریبایدوف صورت گرفته بود. این هیئت بیش از دو ماه در پترزبورگ اقامت داشت و هر روز به دیدن یکی از مؤسسات علمی و صنعتی و آموزشی روسیه می‌رفت. به دیدن مدرسه‌ای رفتند که اطفال مسلمین و گرجی را زبان ترکی و فارسی و روسی و نقاشی و سایر علوم متعارفه را درس می‌دادند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ج ۳، ۱۰-۱۷). در مأموریت به روسیه فرصت مناسبی برای وی فراهم آمد تا بهره‌برداری روسیه از پیشرفت‌های غرب در زمینه‌های مختلف فرهنگی، تعلیم و تربیت، سرمایه‌گذاری صنعتی، مدارس نظامی فنی و هنری را مشاهده کند؛ همچنین توانست با مطالعه کتاب جهان‌نمای جدید که با ابتکار و زیر نظر خودش ترجمه و تدوین شده بود، شرح دارالعلم‌های تمامی کشورهای غربی را در رشته‌های گوناگون علمی و هنری با آمار شاگردان آن مطالعه، از بنیادهای فرهنگی دنیای جدید آگاهی یابد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۳۵۳). امیرکبیر پس از فکر تأسیس مدرسه، ابتدا زمین ساختمان را نزدیک کاخ‌های سلطنتی توپخانه از هر جای دیگر مناسب‌تر تشخیص داد و پس از موافقت شاه از میرزا رضاخان مهندس تبریزی خواست نقشه ساختمان را تهیه کند. میرزا رضاخان نقشه عمارت را شبیه سربازخانه‌ای که در انگلیس دیده بود، ترسیم و آماده کرد. معمار ساختمان، استاد محمدتقی معمارباشی، جد مادری کامران میرزا پسر ناصرالدین‌شاه بود که مدت دو سال (۱۳۶۶-۱۳۶۸) ساختمان را به پایان رساند. امیرکبیر به پیشرفت کار ساختمان و تأسیس مدرسه بسیار علاقه‌مند بود؛ به طوری که هر وقت فرصتی می‌یافت به سرکشی ساختمان و کار بنایان می‌پرداخت (معمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۲). اجرای طرح تأسیس مدرسه دارالفنون که سه سال به طول

انجامید شاید بزرگ‌ترین کار ویژه عصر امیرکبیر بود که موجبات پایه‌گذاری نظام آموزشی و دانشگاهی نوین را سبب گشت و از این‌روست که از امیر به‌عنوان بنیان‌گذار آموزش عالی ایران یاد می‌شود (هاشمیان، ۱۳۸۵: ۲۰۰). در ربیع‌الاول ۱۲۶۸ق، چند روز پس از قتل امیرکبیر، ناصرالدین‌شاه دارالفنون، اولین مدرسه عالی در ایران، را با حضور چند معلم اتریشی و عده‌ای مترجم که از میان محصلان اعزامی به فرانسه انتخاب شده بودند افتتاح کرد. شاگردان این مدرسه از خانواده‌های اعیان و اشراف بودند. رشته‌های تحصیلی دارالفنون عبارت بود از: پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی و جراحی، داروسازی و کان‌شناسی. در تمام رشته‌ها زبان خارجه، علوم طبیعی و ریاضی، تاریخ و جغرافیا و نقاشی نیز تدریس می‌شد. معلمان خارجی در آغاز، کتاب‌های درسی را به زبان خارجی (بیشتر فرانسه) تدریس می‌کردند. در همان سال‌های نخستین، معلمان و مترجمان ایرانی برای اولین بار چند کتاب درسی را برای استفاده دانشجویان دارالفنون به فارسی تألیف و ترجمه کردند. با تأسیس وزارت علوم و معارف در سال ۱۲۷۲ق و انتصاب علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه رئیس دارالفنون به وزارت علوم، آهنگ تأسیس مدارس شتاب بیشتری یافت (سعیدی، ۱۳۷۹: ۲۸). در میان اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی سندی مربوط به بودجه سال ۱۳۰۲ق دارالفنون وجود دارد که ارقام آن به حقوق ماهیانه این افراد اشاره دارد: نقاش‌باش و معلم زبان فرانسه ۱۰۰ تومان و معلم نقاشی تمام کلاس‌ها ۶۰ تومان (خلخالی و تقدیری، ۱۳۹۱: ۴۹۱). اسامی برخی معلمان اروپایی مدرسه دارالفنون عبارت‌اند از: کرزیز^۱ اتریشی معلم حساب و هندسه و استاد تاریخ و جغرافیا، گراف کارچای^۲ اتریشی معلم فنی، جنگ و نقشه‌کشی، زاتی^۳ اتریشی معلم حساب، هندسه و حساب و ریاضیات، بوهرلر^۴ فرانسوی معلم حساب و هندسه و جبر و نقشه‌کشی و مثلثات، کاژرپلو^۵ ایتالیایی معلم نقاشی (همان: ۴۹۷). در گزارش رؤسای دارالفنون برای ناصرالدین‌شاه در (۱۲۸۲ق) به هنر و دروس هنری نیز اشاراتی شده است: «...این همه فواید که الان در دولت علیه پیدا شده که در تمام روزنامه‌های اروپا تمجید و تحسین از اهل ایران می‌شود به‌سبب بنای مدرسه مبارکه است مثل علم تلگراف و دواسازی که از آن نتایج عکاسی و بعضی جوهریات و اسباب تماشاخانه گرفته شده و علوم هندسه و جرتقیل، اقسام حساب و مثلثات اعلی که نقشه‌کشی می‌توان گفت در این علوم با مدارس بزرگ فرنگستان می‌توان گفت مقابلی می‌کند» (صفایی، ۱۳۵۵: ۳۶۹). در آن زمان افرادی که بتوانند در کلاس درس این استادان آموزش لازم را دریافت کنند وجود نداشت؛ نزدیک به ۱۵۰ نفر جوان بین چهارده و شانزده‌ساله که توانایی خواندن و نوشتن داشتند و اغلب از خانواده‌های اعیان و دارالفنون در دوره قاجار

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی‌اکبرخان
مزمین‌الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار

شاهزادگان بودند برای آموزش در دارالفنون انتخاب شدند. نخستین کتاب‌های درسی را پس از چند سال که استادان خارجی در کلاس‌ها به‌طور عملی تدریس کرده بودند، مترجمان آن‌ها با استفاده از یادداشت‌هایی که خود آماده ساخته بودند یا کتاب‌هایی که آن استادان از خارج آورده یا در اینجا نوشته بودند فراهم آوردند. این کتاب‌ها در چاپخانه دارالفنون به‌صورت چاپ سنگی تهیه می‌شد و در دسترس دانشجویان قرار می‌گرفت. نخستین مشکلی که برای تهیه کتاب‌های درسی وجود داشت نداشتن اصطلاحات علمی تعریف‌شده‌ای بود که به‌جای واژه‌های خارجی به کار رود. نداشتن کاغذ و مرکب مرغوب، فقدان استادکار ماهر و تجهیزات ناقص از دیگر مشکلات بود که همه آن‌ها با مدیریت و کمک علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و رضاقلی‌خان هدایت ناظم و سرپرست مدرسه برطرف می‌شد. گفتنی است که نخستین مدیران دارالفنون از دانشمندترین و آگاه‌ترین اشخاص عصر خود بودند و همین مدیریت آگاهانه سبب شد که استادان خارجی هر سال یک کتاب بنویسند و مترجمان ایرانی آن کتاب‌ها را به فارسی برگردانند (معمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۴-۱۱۵). در گزارش‌های مدرسه شاگردان مرتبه اول رشته نقاشی، میرزا اسماعیل ولدحاجی محمدزمان، میرزا ابوالقاسم میرزا احمد، میرزا عبدالدهاب ولد میرزا حسین رئیس‌الکتاب، میرزا علی‌اکبر حجار ولد حلاجی محمدعلی، میرزا صادق ولدحسین بیک ذکر شده است. این رشته از تصحیح و نقشه‌کشی جدا ذکر شده است (یغمایی، ۱۳۷۹: ۳۰۵). این موارد نشان می‌دهد که در بدو تأسیس مدرسه دارالفنون، آموزش هنر وجود داشته و به این رشته، معلمان ایرانی و خارجی و حقوق آن‌ها مشخصاً اشاراتی شده است.

۳. میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله (۱۲۲۳-۱۳۱۲)

قدیمی‌ترین فرد از خاندان مزینی (مزین) که سند رسمی از او در دسترس باشد، میرزا محمدحسین‌خان کاشانی از ملاکان منطقه کاشان و نطنز است. وی در اواخر دوره زندیه تقریباً در ۲۰۸۱ق مطابق ۱۷۹۳م زاده شد و در ۷۴سالگی در ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م چشم از جهان فرو بست. میرزا محمدحسین‌خان باآنکه استطاعت مالی و سواد کافی داشت، برخلاف رسم معمول و نیز رویه‌ای که بعدها فرزندان و نوادگان او پیش گرفتند، به مشاغل دولتی وارد نشد. میرزا محمدحسین‌خان در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ق/ آوریل ۱۸۴۷م در نطنز صاحب فرزندی شد که او را علی‌اکبر نهاد. مطابق یادداشت‌های رسمی امیر نظام گروسی (سفیر ایران در فرانسه) علی‌اکبر از وابستگان فرخ‌خان امین‌الدوله کاشانی قلمداد شده است (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۱: ۷). وی از کودکی در فراگیری دروس و به‌ویژه نقاشی استعداد خوبی از خود بروز داد؛ از این‌رو زمانی

که فرخ‌خان امین‌الدوله در ۱۲۷۱ق/۱۸۵۷م از سوی ناصرالدین‌شاه به‌منظور مذاکره و رفع مسئله هرات به‌عنوان سفیر فوق‌العاده عازم پاریس شد. به‌دلیل نزدیکی به محمدحسین‌خان که علاقه مفروطی به ادامه تحصیل فرزند خود داشت، علی‌اکبر را به‌طور غیررسمی همراه خود به پاریس برد. علی‌اکبر به‌مدت یک سال در مدرسه‌ای در پاریس به آموزش نقاشی و زبان اشتغال داشت تا اینکه در ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م بنا به پیشنهاد فرخ‌خان، ۴۲ محصل از سوی دولت ایران برای تحصیل عازم اروپا شدند و علی‌اکبر نیز جزو این گروه، دوباره راهی فرانسه شد. گروه محصلان اعزامی بین پنج تا نه سال در فرانسه اقامت گزیدند. او تمام مدت عمر طولانی خود را در تدریس در دارالفنون و نظارت بر امور فرهنگی کشور گذراند و تحولات چشمگیری در فرهنگ و هنر نوین ایران به وجود آورد. او ۵۴ سال در این مدرسه به تدریس زبان فرانسه، نقاشی و تئوری موسیقی اشتغال داشت (رسولی‌پور، ۱۳۹۷: ۶۲). میرزا علی‌اکبرخان چون از کودکی مایه خوبی از ذوق و سلیقه و قریحه هنری داشت، پس از عزیمت به اروپا در مدرسه هنرهای زیبا در پاریس تحصیل کرد و به‌خصوص نقاشی را نزد انگر، آخرین نقاش بزرگ و نام‌آور کلاسیک اروپا که فرانسوی بود، آموزش دید و با پشتکار فراوان طبع هنری خود را پرورش داد. روزنامه دولت علیه ایران در یکی از شماره‌های خود با اشاره به این مطلب نوشته است: «آقا علی‌اکبر کاشی از وابستگان امین‌الدوله و متعلمین دولتی است، جوان با استعداد و قابل است. بعد از سه سال تحصیل مقدمات در مدرسه دیپ به حکم وزیرمختار، او را به پاریس آورده به صنعت نقاشی گذاشتند و حال دو سال است با کمال سعی و مراقبت مشغول این صنعت است و ترقیات زیاده کرده است. معلم او زیاده از حد از او راضی و خشنود است» (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۱: ۱۵ ذی الحجه). پس از آن نیز در دانشگاه جنگ فرانسه معروف به سن سیر نزدیک یک سال تعلیمات نظامی را فراگرفت و پس از نه سال اقامت در فرانسه به ایران مراجعت کرد. علی‌اکبرخان در بدو ورود، به‌عنوان پیشخدمت مخصوص ناصرالدین‌شاه مشغول خدمت شد و هم‌زمان معلمی زبان فرانسه و نقاشی شاه را به عهده گرفت و لقب خانی دریافت کرد. در رمضان ۱۲۸۸ق با فرمان و دستخط ناصرالدین‌شاه به نقاش‌باشی ملقب شد (بامداد، ۱۳۴۷: ۴۲۶، روزنامه ایران، ۱۷ رمضان ۱۲۸۸ق). قبل از او صنیع‌الملک غفاری این عنوان و لقب را داشت. مدتی بعد در کنار مسئولیت دربار، در دارالفنون به تدریس رشته‌های نقاشی، زبان فرانسه و موسیقی نظامی مشغول شد و بیش از هر استاد دیگری در آن مدرسه کار کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۸۳). معلم نقاشی دارالفنون قبل از او موسیو کونستانس فرانسوی بود، بعد از آن میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی مزین‌الدوله که

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی‌اکبرخان
مزین‌الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار

در اروپا نقاشی را تکمیل و زبان فرانسه را خیلی عالی می‌دانست به تدریس پرداخت؛ او صبح‌ها نقاشی و عصرها زبان فرانسه را تدریس می‌کرد (میرزا آقاخان، ۱۳۵۳: ۹۸۲). زبان فرانسه مزین‌الدوله به‌قدری قوی بود که در فرانسه او را دایرةالمعارف متحرک می‌خواندند. وی علاوه بر نقاشی، موسیقی نیز آموخته بود و در دارالفنون موزیک نظامی درس می‌داد (قاضی‌ها، ۱۳۹۴: ۳۷). وی نخستین ایرانی بود که در مورد نقاشی آکادمیک و پرسپکتیو که علم تسطیح و ترسیم دورنماست کتاب نوشت و با چاپ سنگی آن را در اختیار شاگردان قرار داد. در حقیقت میرزا علی‌اکبرخان بانی نقاشی آکادمیک در ایران بود و به‌مدت نیم قرن نقاشی اروپایی را با اصول علمی از آناتومی تا نقاشی مناظر و مریا تدریس کرد و در ایران رواج داد و پس از او در این رشته، آنچنان که می‌بایست تا دوران پهلوی دوم کارآموزی نوینی صورت نگرفت (رسولی‌پور، ۱۳۹۷: ۶۴). وی چند کتاب آموزش نقاشی نیز انتشار داد؛ همچنین معلم موسیقی علمی و نیز از نخستین بنیان‌گذاران تئاتر بود (پاکباز، ۱۳۷۹: ۳۵۹). این هنرمند تا اواخر سلطنت احمدشاه قاجار استاد نقاشی بود و در سال ۱۹۱۴م از طرف امپراتوری روس، تزار روسیه— نیکلای دوم— نشان افتخار گرفت. نشان «استانیسلاس» که از مدال‌های پراعتبار آن دیار به شمار می‌رفته به وی اعطا شده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۷۸—۳۷۹). میرزا علی‌اکبرخان در سال ۱۲۸۸ق لقب نقاش‌باشی را دریافت کرد. او در دارالفنون در کنار موسیقی و تئاتر به تعلیم نقاشی پرداخت و نقاشانی چون کمال‌الملک، مصورالملک و اسماعیل جلایر و ابوتراب غفاری از شاگردان او بودند. او در دورنماسازی و شبیه‌سازی توانا بود (فلور و دیگران، ۱۳۸۱: ۶۲).

مزین‌الدوله عمدتاً منظره و گل نقاشی می‌کرد ولی در چهره‌نگاری با اسلوب‌پرداز نیز دست داشت (پاکباز، ۱۳۷۹: ۳۵۹). در زمانی که مظفرالدین‌شاه به سلطنت رسید، تعلیم و سرپرستی پسر او ملک منصور میرزا (شعاع‌السلطنه) را به عهده داشت و در شوال ۱۳۱۵ق لقب مزین‌الدوله به وی اعطا شد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۱۹۸). او در تدریس سخت‌گیر و بسیار بادقت بود (عمیدی نوری، ۱۳۸۱: ج ۱، ۴۳). مرگ وی به سال ۱۳۱۳ش برابر ۱۳۶۴ق اتفاق افتاده است (سرمدی، ۱۳۷۹: ۴۳۹). احتمالاً تحصیل او در مدرسه نظامی بر آموزش سخت‌گیرانه و مستبدانه او تأثیرگذار بوده است. با توجه به این موارد، مزین‌الدوله نقاشی غربی، سیستم آکادمیک هنر فرانسه را در ایران پیاده کرد. روش تدریس او در دارالفنون بعدها در صنایع مستظرفه، هنرکده تزیینی و هنرهای زیبای دانشگاه تهران به دست شاگردانش نسل‌به‌نسل در ایران ادامه پیدا کرد و اولین پله‌های آموزش آکادمیک نقاشی ایران به‌شیوه غربی را شکل داد.



تصویر ۲: ناصرالدین شاه اثر مزین الدوله،
۱۳۱۲ق، مداد روی کاغذ، رقم جان نثار علی اکبر،
نگارخانه کاخ گلستان (کشمیرشکن، ۱۳۹۳: ۳۹)



تصویر ۱: تصویر نقاشی میرزا عبدالوهاب
خواجه نوری، نظام الملک، اثر مزین الدوله،
۱۳۱۱ق (رسولی پور، ۱۳۹۷: ۹۴)



تصویر ۳: نمونه‌ای از نقاشی مزین الدوله، کشیشان، کاخ موزه سعدآباد، سال ۱۳۱۱ (رسولی پور، ۱۳۹۷: ۹۳)

از مزین الدوله به دلیل مشغله‌های حساس و سال‌ها ریاست دارالفنون آثار هنری اندکی برجای مانده است. در آثار او نخستین مورد دقت بالا و جزئیات در نقاشی‌ها، ساخت و پرداخت دقیق، رنگ‌پردازی و پرسپکتیو متناسب است. سعی در نشان دادن فلزات، سنگ و یراق آلات لباس به‌خوبی و دقت از ویژگی‌های کار اوست. با مطالعه آثار مزین الدوله مشخص می‌شود که او شیوه دارالفنون در دوره قاجار

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی اکبرخان
مزین الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار

نقاشی واقع‌گرایانه، طراحی قوی و پرداختن به جزئیات را در بازنمایی رعایت می‌کند. اینکه این هنرمند از عکاسی برای تکمیل نقاشی‌های خود استفاده می‌کرده است یا خیر، بر ما مشخص نیست ولی با توجه به دقت در اجرای جزئیات و تدریس این هنر در مدرسه به نظر می‌رسد مزین‌الدوله در نقاشی‌های خود و آموزش به هنرجویان، از این هنر بهره می‌برده است. در تصاویر ۱ و ۲ طراحی‌های مزین‌الدوله، دقت در جزئیات و بازنمایی قوی، کیفیت پردازش و حالت چهره مشخص است. او در فرم چهره و بازنمایی شخصیت در تصویر، دقیق عمل کرده است. پرداختن به بافت پارچه و استفاده از نقوش، حاشیه پوست یا خز و نمایش جنسیت آن، جنسیت چوب در عصای نظام‌الملک از قدرت این هنرمند نشان دارد. تصویر ۲ که نمونه‌ای درخشان و بی‌نظیر از چهره ناصرالدین‌شاه است، بازنمایی حالت چهره با توجه به نمونه‌های تصاویر عکاسی متعدد موجود از ناصرالدین‌شاه نشان می‌دهد که مزین‌الدوله به مفهوم بازنمایی روان‌شناسانه آگاهی داشته و در تصاویر ۱، ۲ و ۳ نیز این مورد مشخص می‌شود. تصاویر ۱ و ۲ بازنمایی از مدل زنده یا عکاسی و تصویر ۳ احتمالاً کپی‌برداری می‌باشد که دارای طنزی تلخ است. مطالعات چهره و بازنمایی جزئیات چین‌وچروک لباس در این تصاویر نشان می‌دهد هنرمند به سبک شخصی با تأثیرپذیری از هنر عکاسی و روان‌شناسی دست یافته است. همچنین مطالعه در تصاویر ۱ و ۲ مشخص می‌شود مزین‌الدوله با طراحی‌های صنایع‌الملک از رجال آشنایی داشته و رد پای طراحی‌های روان‌شناختی او در آثار مزین‌الدوله قابل‌بازبایی است. در آثار مزین‌الدوله، طراحی دقیق، اندازه‌ها، نسبت و زاویه‌ها نشان می‌دهد هنرمند به شیوه نقاشی بازنمایی به‌خوبی آشنا بوده است. او در پرتره‌سازی و شبیه‌سازی، نمایش حالات و روحیات، از مهارت و هنرمندی از قدرت بالایی برخوردار بوده است. فاصله زمانی این آثار نشان می‌دهد که او در طراحی و نقاشی فردی پرکار بوده است. شیوه طراحی‌گونه تصاویر ۱ و ۲ به نوعی نقاشی بازمی‌گردد که با سفیداب و طلق کار شده و بسیار شفاف است. این تکنیک در آثار در اویش جلایر نیز مشاهده می‌شود که احتمالاً به تأثیر از مزین‌الدوله است. این شیوه نقاشی در آثار سیاه و سفید ابوتراب غفاری نیز دیده می‌شود. در سندهای تاریخی ذکر شده است که او از چهره شعاع‌السلطنه پسر مظفرالدین‌شاه نیز با این شیوه نقاشی داشته است که تصویری از آن موجود نیست. این موارد در جدول ۱ جمع‌بندی می‌شود.

جدول ۱: مطالعه ویژگی آثار علی‌اکبرخان مزین‌الدوله

			علی اکبر خان مزمین الدوله نطنزی
۱۳۱۱ق	۱۳۱۲ق	۱۳۱۱ق	سال
رنگ و روغن	طراحی با مداد روی کاغذ	طراحی احتمالاً سفیداب و طلق	تکنیک
بازنمایی دقیق، کیفیت اجرای عالی، دید روان شناسانه	بازنمایی دقیق از روی عکس دید روان شناسانه	بازنمایی دقیق دید روان شناسانه	ویژگی اثر
نقاشی فیگوراتیو کپی از روی عکس	نقاشی فیگوراتیو	نقاشی فیگوراتیو	موضوع

(منبع: ۱۴۰۰)

۴. شاگردان مزمین الدوله در دارالفنون

مزمین الدوله را می توان یکی از مهم ترین شخصیت های هنری دوره دوم قاجار دانست که متأسفانه در زیر سایه نام کمال الملک و اختلافی که با این هنرمند داشت و یادداشت های او درست یا غلط کمتر دیده شده است. اختلاف او با کمال الملک و نوشتن حسادت او به کمال الملک توسط وی جنبه منفی به شخصیت هنری او داده است. از او بیشتر به عنوان یک معلم و مدیر هنری سخت گیر در دارالفنون یاد می شود. او نسل مهمی از هنرمندان در دوره دوم قاجار مانند جلالیر، مصورالملک، ابوتراب غفاری و محمد غفاری را آموزش داده است. در این بخش به معرفی شاگردان و آثارشان پرداخته می شود.

۱-۴. مهدی مصورالملک

به لقب مصورالملک شهره بود و از چهره پردازان و تصویرگران اوایل قرن ۱۴ق به حساب می آمد. او در آبرنگ و سیاه قلم و نقوش رنگ و روغنی دست داشت. در چهره سازی، منظره سازی از طبیعت و کپی هر سه دست داشت؛ تصاویر روزنامه شرافت به قلم او بود. میرزا مهدی در شبیه سازی و چهره پردازی و ارائه مناظر زیبا و فرح انگیز دست قدرتمندی داشت و علاقه مند بود

که صحنه های مختلف زندگی و حالات مردم عادی را ثبت کند. شبیه پردازی های وی که از رجال عهد ناصری و مظفیری، به قلم ماهرانه خود مصور ساخته، معرف زبردستی نقاش در امر چهره پردازی بود که به قلم سیاهی و هاشور ماهرانه ترسیم نموده و در روزنامه ماهیانه شرافت

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی اکبر خان
مزمین الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار

(چاپ از سال ۱۳۱۴ق) این طرح‌های خطی انتشار می‌یافته است. این هنرمند قوانین مناظر و مریا را خوب می‌دانست و در آثار خود از آن بهره می‌یافت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۲۴۷-۱۲۵۰). مهدی‌خان مصورالملک در واقع‌گرایی و رعایت قوانین پرسپکتیو و رنگ‌پردازی از هنرمندان بزرگ مشهور بوده و از دانش‌آموختگان دارالفنون و از شاگردان مزین‌الدوله است. او متأثر از مزین‌الدوله بوده و شیوه نقاشی او در واقع‌گرایی و چهره‌نگاری و به‌خصوص در طراحی، پیرو استاد خود بوده است.



تصویر ۴: پرتره کمال‌الملک، مهدی مصورالملک، روزنامه شرافت، تهران، ش ۶۰، ۱۹۰۱م

کتابخانه دانشگاه پرینستون (Diba, 1999: 273)

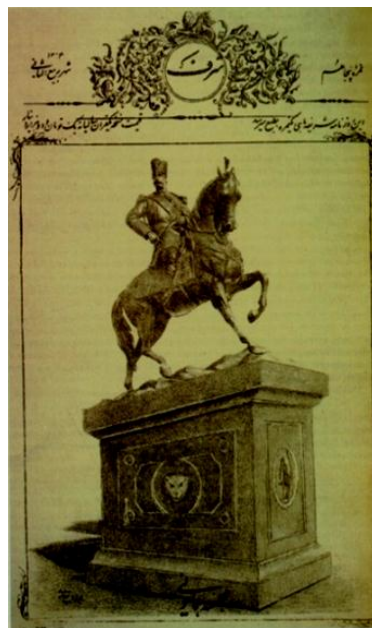
۲-۴. میرزا ابوتراب غفاری

ابوتراب غفاری، نقاش و چاپگر ایرانی، ۱۲۸۰/۱۸۶۳ق — ۱۳۰۷/۱۸۸۹ق یکی از پیشگامان هنر گرافیک در ایران به شمار می‌آید. او برادر بزرگ کمال‌الملک بود. ابوتراب در مدرسه دارالفنون مشغول به تحصیل علوم متداول و زبان فرانسه شد و به تکمیل هنر نقاشی پرداخت که حرفه و پیشه‌خاندانش بود. وی تحت تعلیم استادانی چون میرزا عبدالمطلب اصفهانی، نقاش‌باشی و کارمند دارالطباعة دولتی و میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نطنزی قرار گرفت. محمدحسن‌خان صنایع‌الدوله که بعدها لقب اعتمادالسلطنه گرفت، ابوتراب غفاری را به استخدام دارالطباعة دولتی درآورد و مظفرالدین میرزا ولیعهد ابوتراب را به‌عنوان نقاش‌باشی خود برگزید. با موافقت ناصرالدین‌شاه محل خدمت ابوتراب دارالطباعة پایتخت تعیین شد و لقب نقاش‌باشی حضور ولیعهد برای او در نظر گرفته شد (پورثانی، ۱۳۹۸: ۱۲—۱۳). قدرت دست او در شبیه‌سازی قابل توجه است. تعدادی تک‌چهره آبرنگ نیز از او به‌جای مانده است (پاکباز، ۱۳۷۹:

۴). او در حوالی سال ۱۲۹۳/۷۷-۱۸۷۶ به تهران رفت و وارد دارالفنون شد و در آنجا به فراگیری نقاشی و زبان فرانسه پرداخت. او نقاشی چیره‌دست بود و چندین نشان دریافت کرد. ابوتراب غفاری در فن چاپ سنگی مهارت داشت و تک‌چهره‌هایی عکس‌گونه برای روزنامه شرف و شرافت تهیه می‌کرد. بعد از وی، میرزا موسی و مهدی مصورالملک تصویرسازی‌های روزنامه شرف و شرافت را ادامه دادند و به رواج چاپ سنگی و مصورسازی کتاب‌های چاپی پرداختند (ریاضی، ۱۳۹۵: ۸۴). او در رجب ۱۳۰۷ ق در ۲۷ سالگی درگذشت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۹). او یکی از مهم‌ترین هنرمندان دانش‌آموخته دارالفنون است که متأسفانه آثار زیادی از او برجای نمانده است و مکان برخی از آثار مشخص نیست. او دارای دست طراحی قوی می‌باشد و در شیوه پرداز ایرانی استاد بوده است. ذوق هنری در چهره‌نگاری با پرداز و طراحی‌های درخشان سیاه و سفید برای چاپ سنگی در آثار او دیده می‌شود که متأثر از روش طراحی مزین‌الدوله است.



تصویر ۶: حاج میرزا سلیمان خان روح‌الملک، ابوتراب غفاری ۱۸۸۰-۱۸۸۹م آبرنگ روی کاغذ، موزه لوور پاریس (Diba, 1999: 254)



تصویر ۵: مجسمه همایونی ناصرالدین شاه، ابوتراب غفاری ۱۸۹۰م، روزنامه شرف، تهران، ش ۵۰، کتابخانه دانشگاه پرینستون، نیوجرسی آمریکا (Diba, 1999: 265)

۳-۴. اسماعیل جلاپور

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی‌اکبرخان
مزین‌الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار

نقاش و خوش‌نویس ایرانی، نقاشی را زیر نظر استادان عهد ناصری و مزین‌الدوله در مدرسه دارالفنون آموخت. در چهره‌نگاری و نقاشی موضوع‌های مذهبی دست داشت. او اسلوب‌های مختلف نقاشی طبیعت‌گرایانه را تجربه می‌کرد و به خوش‌نویسی توأم با رنگ‌آمیزی و قلمدان‌نگاری نیز می‌پرداخت. در شمایل‌هایی که به دست جلایر کار شده‌اند، دلبستگی او به نمایش حالات درونی چهره مشهود است (پاکباز، ۱۳۷۹: ۲۸). او در نقاشی رنگ و روغنی، آبرنگ و سیاه‌قلم دست داشته و به منظره‌پردازی نیز می‌پرداخته است. جلایر خط نستعلیق را خوش می‌نوشته و در این هنر از شیوه میرزا غلامرضا پیروی می‌کرده است (سرمدی، ۱۳۷۹: ۸۳). او از شاگردان مزین‌الدوله است که خود به تعلیم شاگردان نیز مشغول است (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۲۷۷). جلایر در اغلب رشته‌های هنری از قبیل آبرنگ و سیاه‌قلم و نقطه‌پرداز و شبیه‌سازی پرستعداد بود و در نقاشی‌های رنگ و روغنی و قلمدان‌سازی نیز دست پرمهارت داشت. عمده آثار شیوای جلایر به سبک خاص او، سیاه‌قلمی است. رنگ سفیدی را در بطن سیاهی سایه‌ها جلوه‌گر می‌کرده و در نوع خود متمایز بوده است. بیشترین و ممتازترین اثر او شمایل‌های متعدد در اندازه و سبک‌های مختلف است. او به لاین نیز امضا می‌کرده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳ ج ۱: ۷۷-۷۸). شیوه پرداز یا نقطه‌گذاری اسماعیل جلایر به لحاظ ریزنقشی و نامرئی بودن حیرت‌آور است و فقط با دقت در نقطه‌پردازی‌ها معلوم می‌شود که هنرمند از چه مهارتی برخوردار بوده است. بعضی معتقدند که وی کارهای خود را با چشم مسلح کار کرده است و در هنگام کار عینکی به چشم داشته است. حضور این شیوه غریب در آثار وی را از مصداق‌های حس و رفتارهای وسواسی او برشمرده‌اند؛ طوری که ساعت‌ها روی اثر کار می‌کرده و مدت‌ها بدان خیره می‌شده و اگر پسند طبعش نمی‌افتاده، پاره می‌کرده و دور می‌ریخته است. بیشتر آثار وی با اسلوب سیاه‌قلم در اجرا پرداز شده است.

از ویژگی‌های آثار بازمانده از او شفافیت و براق بودن آن‌هاست. او در آثار خود از سفیدکننده‌ای بهره می‌جسته که هنوز پس از گذشت سالیان شفافیت خود را از دست نداده و همچون مرواریدی درخشان برق می‌زند. بعضی معتقدند که این ماده سفیدکننده از استحاله ماده طلق یا ماده‌ای نظیر آن به دست آمده و سفیداب نامیده می‌شده است. از این رو در سایه‌روشن آثار جلایر سایه از نقطه‌چین‌کاری یا شیوه پرداز پدید آمده و روشن از سفیدابی است که برای جلای آن به کار رفته است (آزند، ۱۳۹۱: ۱۴). نقاشی‌های اسماعیل جلایر را می‌توان از چند بُعد مورد بررسی قرار داد. وی در بیشتر مضامین این نقاشی‌ها تحت‌تأثیر آموزه‌های دوران کودکی از معانی و مضامین صوفیانه و مذهبی قرار داشته و این آموزه‌ها را با جهت و دید جدیدی کار کرده است. پیداست که وی روی

موضوعات صوفیانه و اندیشه عارفان غافل نبوده است. این آثار مذهبی نشان‌دهنده تعلق خاطر وی به این مفاهیم است که توسط پدرش در دوران کودکی به وی القا و جزئی از فرهنگ وی شده است (همان: ۱۷). این هنرمند در زمینه چهره‌نگاری مذهبی و از درویشان به سبک شخص خود دست یافته بود. در چهره درویشان و کارهای مذهبی او نشان دادن حالات درونی درویش، معصومیت و مظلومیت دیده می‌شود. روش نقاشی او که مانند طراحی سیاه و سفید با طلق و سفیداب کار شده، دارای کنتراست شدید در تصویر می‌باشد که به جلوه و زیبایی کار افزوده است. احتمالاً این روش را از استادش در دارالفنون آموخته بوده و به شیوه شخصی در این روش دست یافته است.

۴-۴. محمد غفاری ملقب به کمال‌الملک



محمد غفاری، مشهورترین و پرنفوذترین شخصیت در تاریخ هنر معاصر ایران به شمار می‌آید. با نقاشی‌های او جریان دوست‌ساله تلفیق سنت‌های ایرانی و اروپایی به پایان می‌رسد و سنت طبیعت‌گرایی اروپایی در قالب نوعی هنر آکادمیک تثبیت می‌شود. او سال‌های کودکی را در کاشان گذراند، در نوجوانی به تهران آمد و به مدرسه دارالفنون رفت و زیر نظر مزین‌الدوله نقاشی را آموخت (سرمدی، ۱۳۷۹:

۴۹۴). فعالیت هنری کمال‌الملک بخش متأخر

دوران قاجار و اوایل دوره پهلوی را در بر می‌گیرد. او برخلاف دیگر متقدمان و حتی برخی هنرمندان هم‌عصر خود تردیدی در پذیرش اصول و نقاشی واقع‌نمای پسارنسانسی

اروپایی به خود راه نمی‌دهد. با بررسی خط سیر هنری وی، از کارهای آغازین تا دوره‌های متأخر، می‌توان تلاش پیگیر او را در شناخت و اعمال این نظام در آثارش دریافت (کشمیرشکن، ۱۳۹۳:

۴۱).

تصویر ۷: نورعلی‌شاه، اسماعیل جلایر، تهران حدود ۱۸۵۶م، رنگ و روغن روی بوم، ۸۸/۹×۶۹/۲ سانتی‌متر (Diba, 1999: 259)

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی‌اکبرخان
مزین‌الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار





تصویر ۹: تابلوی جن‌گیر، کمال‌الملک، تهران،
رنگ روغن، ۱۹۰۰م، موزه ملک، تهران
(Diba, 1999: 274)



تصویر ۸: ناصرالدین‌شاه اثر کمال‌الملک، ۱۲۹۸ق،
موزه ملک، اهداکننده: عزت‌الملوک ملک
(سودآور) شماره اموالی
۱۳۹۳،۰۰۰۰۶۲URL1

مهدی بامداد ضمن آنکه از علی‌اکبرخان مزین‌الدوله استاد نقاشی کمال‌الملک نام برده معتقد است او اولین بار کمال‌الملک را به ناصرالدین‌شاه معرفی کرد. می‌توان او و کمال‌الملک را در یک حدودی به لوپروژن (Le Perugin) و رافائیل (Raphael) نقاشان ایتالیایی تشبیه کرد (بامداد، ۱۳۷۴: ۲۶۴). قبول چنین مقایسه‌ای جای درنگ است؛ زیرا مزین‌الدوله پیرو انگر و رافائیل بود درحالی‌که کمال‌الملک از مکتب نقاشی رامبراند تقلید می‌کرده و بر اساس یادداشت‌های به‌جای‌مانده از او به وی ارادات می‌ورزیده است (یادنامه کمال‌الملک، ۱۳۷۸: ۲۵). مزین‌الدوله اغلب تعریف ذوق و استعداد شاگرد خود یعنی کمال‌الملک را نزد شاه می‌کرد و شاه اغلب او را تشویق می‌نمود (رسولی‌پور، ۱۳۹۷: ۶۴). دکتر اعلم‌الدوله ثقفی نیز در ذکر نام مردان بزرگ قرن ۱۳ خورشیدی از کمال‌الملک و مزین‌الدوله یاد می‌کند و می‌نویسد: «کمال‌الملک مدرسه نقاشی جدید را که مزین‌الدوله در جاده تکوین آن پیش‌قدم و دکتر ابراهیم‌خان حکیم‌الممالک مؤسس آن است ترقی داد (روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور، ۱۳۷۴: ۶۳۳۶).

۵. مطالعه نقش تأثیرگذار تدریس مزین‌الدوله در دارالفنون

میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله معلمی که ۵۴ سال در دارالفنون تدریس می‌کرده و به بداخلاقی و جدیت معروف بوده، بیشتر از لابه‌لای کتاب‌های تاریخی شناخته می‌شود و صحبت‌هایی که در گریزی از اتفاقی در این مورد نوشته شده است. منبع مشخصی در مورد مدرسه دارالفنون، آموزش نقاشی در این مدرسه و نحوه تدریس، شیوه امتحان گرفتن و منابع درسی موجود نیست. در بررسی این موارد می‌توان از لابه‌لای موضوعات تاریخی مربوط به مدرسه به این دستاوردها دست یافت که

میرزا علی اکبرخان هنرمندی بود جدی، سخت گیر و بسیار سخت کوش. او پس از میرزا ابوالحسن خان غفاری مهم ترین هنرمند نقاش باشی دربار قاجار بوده است و پس از موسیوکنستان فرانسوی که در فاصله چندساله بین ریاست صنیع الملک و مزین الدوله در دارالفنون تدریس می کرد، نظم و هماهنگی را به مدرسه بازگرداند. هم میرزا ابوالحسن خان و هم مزین الدوله شیوه آموزش غربی را در مدرسه در پیش گرفته ولی تفاوت هایی در این مورد وجود دارد: اول آنکه دوره ریاست و عمر ابوالحسن خان بسیار کوتاه تر از میرزا علی اکبرخان بوده است. ابوالحسن خان شغل های دولتی بیشتری داشته و مهم ترین فعالیت او کتاب هزارویک شب بوده که وقت بسیاری از او گرفته است؛ در صورتی که شغل های میرزا علی اکبرخان کمتر بوده است و وقت بیشتری را در مدرسه می گذرانده و تدوین برنامه درسی دارالفنون بیشتر در راستای تفکر او بوده است. هرچند که در سال های ابتدایی روش میرزا ابوالحسن خان را دنبال می کرده، روشی که هر دو به واسطه آموختن هنر نقاشی در غرب از مدارس اروپایی الگوبرداری کرده بودند، ولی تفاوت دیدگاه ایرانی ابوالحسن خان و وفاداری او به هویت و اصالت ایرانی راه او را از میرزا علی اکبرخان جدا می کند. دیدگاه علی اکبر خان، طبیعت پردازانه و غربی است و از فضای تمثیلی و شرقی و ایرانی ابوالحسن خان جداست و این امر به مرور در آموزش، برنامه درسی و تدریس به دانش آموختگان در ماحصل کار دیده می شود که واقع گرایی امتیازی است که در هنرهای این دوره از اهمیت زیادی برخوردار است و در نهایت در آثار عکس گونه کمال الملک از هنر ایرانی جدا می شود و به انتها می رسد. کپی برداری از روی تندیس ها برای درس طراحی و کپی از روی آثار نقاشی هنرمندان اروپایی جزو تکالیف دانشجویان بوده است. مطالعه آثار هنرمندان ایرانی و نگارگری در هیچ جا نوشته نشده و به آن اشاره ای نشده است و این مطلب نشان می دهد که جزو اولویت ها نبوده است.

آنچه از تدریس مزین الدوله نوشته شده، علاقه او به هنر غربی، جدیت و سخت گیری اوست. آنچه مسلم است این معلم با درایت خود و به واسطه نفوذی که در دربار و آموزش شاهزادگان به خصوص شعاع السلطنه داشته است و تأییدی که بر روش تدریس او به عنوان نقاش باشی دربار به عنوان هنرمندی آموزش دیده در فرنگ بوده است. اختلاف کمال الملک با مزین الدوله، حسادت مزین الدوله به کمال الملک و آنچه کمال الملک معتقد است آموخته ای از معلمانش نداشته و بیشتر به

خانواده و تلاش خود اشاره داشته است، موجب شده آموزش این معلم کمرنگ تر دیده شود. این مطالعه نقش تدریس میرزا علی اکبرخان مزین الدوله در مدرسه دارالفنون در دوره قاجار

است که هریک وزنه‌ای در هنر این دوران می‌باشد. روحیه ایرانی و تأثیرات نقاشی ایران در آثار جلایر و ابوتراب غفاری هنوز دیده می‌شود، ولی در آثار کمال‌الملک این ریشه‌ها حذف شده و به‌سوی غرب‌گرایی صرف پیش می‌رود. تدریس مزین‌الدوله به این هنرمندان بر مبنای سیستم استادشاگردی ایران در دوره‌های گذشته بوده است؛ او آموزش سنتی ایرانی را با نگاه غربی در دارالفنون پیاده کرده است. او در تدریس نقاشی موفق و هنرمندی برجسته و تأثیرگذار و مدیری موفق و آگاه به زبان فرانسه، نقاشی و موسیقی بوده است. تفاوت دیدگاه او با میرزا ابوالحسن غفاری، نپرداختن به هنر ایرانی و هویت آن در مسیر تدریس هنری می‌باشد، و اگر این امر در آثار ابوتراب غفاری دیده می‌شود و نسبت به آثار باقی شاگردان مزین‌الدوله پررنگ‌تر است شاید به سبب اندوخته خانوادگی تحت تأثیر صنایع‌الملک باشد.

اسماعیل جلایر شیوه‌ای از سفیداب و طلق در نقاشی خود به کار می‌برد که تکرار راه استادش است. در آثار ابوتراب غفاری و جلایر روحیه ایرانی نسبت به آثار غربی پررنگ‌تر است که در میان این سه نفر، ابوتراب احتمالاً با تأثیرپذیری بیشتری از صنایع‌الملک برخوردار است. آخرین هنرمند دارالفنون که بعدها نقاش‌باشی اصلی دربار قاجار و معلم شاه می‌شود کمال‌الملک است که در آثار او روحیه و نگاه نقاشی ایرانی حذف می‌شود، نگاه غربی و عکس‌گونه حاکم می‌شود و به نظر می‌رسد این امر بیشتر به سلیقه خود محمدغفاری مربوط است. شاگردی که با استادش مزین‌الدوله رقابت می‌کند، او را قبول ندارد و معتقد است مزین‌الدوله شخصی حسود، بدون صنعت و دارای طبع کوچکی است. حال اینکه مزین‌الدوله اولین بار شاگردش را به شاه معرفی می‌کند، اینکه کمال‌الملک چرا با استادش بعد از نقاش‌باشی شدن برخلاف احترام رابطه استادشاگردی سنتی در ایران ارتباط کمتری دارد، تدریسی در دارالفنون ندارد و عدم ارتباطی که شاید به‌علت کمبود منابع است جای سؤال است. با همه این موارد به نظر می‌رسد مزین‌الدوله هنرمندی درخشان به‌خصوص در عرصه چهره‌نگاری است که هرچند به‌علت فعالیت زیادش در دارالفنون آثار کمی از او برجای مانده است، در همین آثار اندک می‌توان قدرت دست استاد، رنگ‌پردازی و درست بودن علم پرسپکتیو و تمایل به هنر غربی و طبیعت‌پردازی را مشاهده کرد. همه این موارد در آثار کمال‌الملک نیز دیده می‌شود. او دانش آموخته دارالفنون است و تأثیرات آموزش غربی مزین‌الدوله درست یا غلط در آثار او دیده می‌شود. مزین‌الدوله معلمی جدی، سخت‌گیر و هنرمندی آموزش‌دیده آکادمیک اروپایی بوده که توانسته اقتدار و تأثیرات آموزش غربی را در این مدرسه اجرا کند. او در آموزش

هنری با توجه به شرایط و امکانات آن زمان درست عمل کرده و هنرمندان قابلی را به عرصه هنر ایران و قاجار تحویل داده است. او مسیر هنر نقاشی ایران به شیوه آکادمیک را پایه گذاری می کند.

جدول (۲): مطالعه بررسی تأثیرپذیری ویژگی بصری شاگردان از مزین الدوله در چهره نگاری

				
محمد غفاری	مصورالملک	اسماعیل جلایر	ابوتراب غفاری	علی اکبرخان
رنگ و روغن	طراحی مداد	رنگ روغن	آبرنگ	طراحی مداد
بازنمایی دقیق متأثر از عکاسی شباهت با هنر اروپایی	بازنمایی دقیق متأثر از عکاسی	ارتباط با روان شناسی چهره	بازنمایی دقیق ارتباط با روان شناسی چهره	بازنمایی دقیق ارتباط با روان شناسی چهره

(نگارنده: ۱۴۰۰)

با مطالعه جدول ۲ مشخص می شود هنرمندان فارغ التحصیل دارالفنون در زمینه چهره نگاری از استاد خود علی اکبرخان مزین الدوله متأثر بوده اند؛ اگرچه تکنیک های مختلفی به کار برده اند تأثیرپذیری از نوع اجرا و نگاه روان شناسانه در آثار بازنمایانه ابوتراب غفاری و جلایر دیده می شود. در اثر مصورالملک بازنمایی واقع گرایانه به سمت عکس می رود که نشان می دهد با توجه به سال اجرا که قدیمی تر است نوع نگاه به پرتره نگاری اروپایی تر شده است. در اثر محمد غفاری نیز واقع گرایی از باقی هنرمندان دقیق تر و به هنر اروپایی متمایل تر شده است. در باقی آثار هنرمندان، ایرانی بودن در شیوه اجرا و نوع بازنمایی ملموس تر است ولی در اثر کمال الملک نگاه اروپایی و اجرای سوژه متأثر از هنر طبیعت گرایی غربی است.

۶. نتیجه گیری

در رابطه با جایگاه علی اکبرخان مزین الدوله، این هنرمند و معلم تأثیرگذار دوران قاجار، باید مقام او را در میان مشاهیر دوره قاجار از دیار کاشان و معلمی تأثیرگذار بر نسل بعد نقاشی ایران معرفی کرد. با بررسی روند عملکرد او در ۵۴ سال تدریس در دارالفنون می توان دریافت وی یک مدیر لایق، هنرمندی توانا، آشنا به زبان فرانسه، هنر نقاشی، موسیقی و تئاتر بوده است. در آموزش دارالفنون در دوره قاجار هنر نقاشی متأثر از واقع گرایی اروپایی و از شاگردان انگر بوده است. او سال های طولانی مدیر و

مطالعه نقش تدریس
میرزا علی اکبرخان
مزین الدوله در مدرسه
دارالفنون در دوره قاجار

مدرس مدرسه دارالفنون بوده است. روند آموزش هنر در این مدرسه متأثر از نحوه تفکر و شیوه آموزش او با الگوبرداری از مدارس اروپا بوده است. نگاه طبیعت‌پردازانه و غربی در آموزش نقاشی در دارالفنون در نسل بعد دانش‌آموختگان این مدرسه مانند اسماعیل جلایر، میرزا ابوتراب غفاری، مهدی مصورالملک و محمد غفاری به‌خوبی دیده می‌شود. در دوران ریاست او در دارالفنون، شیوه‌های نوین آموزش هنر با توجه به امکانات به‌خوبی اجرا شده ولی نگاه ارزش‌گذارانه به هنر ایرانی به‌آرامی حذف و زیبایی‌شناسی عکاسانه اروپایی در هنر نقاشی جایگزین می‌شود. این امر در مطالعه آثار دانش‌آموختگان این مدرسه دیده می‌شود که بیشتر از همه در آثار محمد غفاری جلوه می‌کند و او این مسیر را در صنایع مستظرفه نیز ادامه می‌دهد. جایگاه مزین‌الدوله به‌عنوان مدیریت مدرسه نقش مهمی در تولید آثار هنری و تربیت هنرمندانی درخشان در عرصه نقاشی داشته است. او در هنرهای نقاشی موسیقی و تئاتر و زبان فرانسه نیز سرآمد بود و به‌عنوان مدیری توانمند و باسواد و مدبر و آگاه شناخته می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Kriziz
2. Graf Karnczay
3. Zatti
4. Buhler
5. Gay Replo

منابع

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
۲. افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل التواریخ*، منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
۳. آژند، یعقوب (۱۳۹۲)، *نگارگری ایران*، ج ۲، تهران: سمت.
۴. _____ (۱۳۹۱)، *اسماعیل جلایر (گلستان هنر ۳)*، تهران: پیکره.
۵. بامداد، مهدی (۱۳۴۷)، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ ق*، تهران: زوار.
۶. پاکباز، رویین (۱۳۷۹)، *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: نارستان.
۷. پورثانی، مریم (۱۳۹۸)، *مشاهیر کتاب‌آرایی ایران میرزا ابوتراب غفاری کاشانی*، تهران: خانه کتاب.
۸. خلخالی، سید محی‌الدین و تقدیری، سعید (۱۳۹۱)، «مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر»، *پیام بهارستان*، سال پنجم، شماره ۱۸، ۴۷۹-۵۱۱.

۹. ذکا، یحیی (۱۳۷۸)، «میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی مؤسس نخستین هنرستان نقاشی ایران»، *ایران‌نامه*، شماره ۶۷، ۵۵۲-۵۵۶.
۱۰. *روزنامه خاطرات عین السلطنه سالور* (۱۳۷۴)، ایرج افشار و مسعود سالور، تهران: اساطیر.
۱۱. *روزنامه دولت علیه ایران*، شماره ۵۶۷۰، مورخ ۱۵ ذی‌الحجه ۱۲۸۱، ص ۷.
۱۲. ریاضی، محمدرضا (۱۳۹۵)، *کاشی‌کاری قاجاری*، تهران: یساولی.
۱۳. رسولی‌پور، مرتضی (۱۳۹۷)، «میراث علی‌اکبرخان نقاش‌باشی (مزمین‌الدوله) در آموزش، فرهنگ و هنرهای نوین ایران»، *آرشیو ملی*، سال چهارم، شماره ۱۳، ۶۰-۱۰۰.
۱۴. سرمدی، عباس (۱۳۷۹)، *دانشنامه هنرمندان ایران و اسلام*، تهران: هیرمند.
۱۵. سعیدی، حوریه (۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر سیر تحول تدوین کتاب‌های تاریخ در مدارس از تأسیس دارالفنون تا پایان دوره پهلوی اول ۱۳۲۰ ش»، *تاریخ معاصر ایران*، شماره ۱۲-۱۳، ۶۲-۶۵.
۱۶. صفایی، ابراهیم (۱۳۵۵)، *گزارشی از دارالفنون*، شماره ۷-۸، ۳۶۴-۳۷۴.
۱۷. عمیدی نوری، ابوالحسن (۱۳۸۱)، یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار (تحولات نیم قرن تاریخ معاصر ایران از نگاه ابوالحسن عمیدی)، مختار حدیدی و جلال فرهنگد، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۸. فلور، ویلم و دیگران (۱۳۸۱)، *نقاشی و نقاشان دوره قاجار*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
۱۹. قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۹۴)، *ناصرالدین‌شاه قاجار و نقاشی*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
۲۰. کشمیرشکن، حمید (۱۳۹۳)، *کنکاشی در هنر معاصر ایران*، تهران: نظر.
۲۱. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۳)، *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی*، لندن: مستوفی.
۲۲. _____ (۱۳۷۰)، *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی*، ج ۳، لندن: مستوفی.
۲۳. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۸)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ایران*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. _____ (۱۳۷۰)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. معتمدی، اسفندیار (۱۳۸۲)، «کتاب‌های درسی در ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی ۱۲۳۰-۱۳۵۷»، *تاریخ معاصر ایران*، شماره ۲۷، ۱۱۱-۱۳۸.
۲۶. میرزا آقاخان (۱۳۵۳)، «تاریخچه‌ای از دارالفنون»، وحید، شماره ۱۳۵، ۹۷۸-۹۸۷.
۲۷. معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۱)، *رجال عهد ناصری*، تهران: تاریخ ایران.
۲۸. هاشمیان، احمد (۱۳۸۵)، «نخستین رئیس‌ان مدرسه دارالفنون»، *گنجینه اسناد*، دوره ۱۶، شماره ۲، ۲۰۰-۲۰۷.
۲۹. *یادنامه کمال‌الملک* (۱۳۷۹)، علی‌دهباشی، تهران: به‌دید.
۳۰. یغمایی، اقبال (۱۳۷۹)، *مدرسه دارالفنون*، تهران: سروا.
31. URL: www.malekmuseum.org (۱۳۹۹/۱۱/۲۸) بازبایی شده در تاریخ

10.22052/KASHAN.2022.243039.1017

32. Diba, Layla and Maryam S-Ekhtiar (1999), *Royal Persian Paintings: The Qajar Epoch 1785-1925 Hardcover*, NewYork: Broklyn Museum of Art

کاشان‌شناسی
شماره ۲ (پیاپی ۲۷)
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

